

بررسی رفتار مدیران در بکارگیری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان

علیرضا کیان *

امید پورحیدری **

یحیی کامیابی ***

چکیده

مدیران از انعطاف پذیری استانداردهای جاری گزارشگری مالی جهت تفکیک یا تجمیع اقلام صورت سود و زیان استفاده می کنند. این ویژگی استانداردها باعث شده تا تفکیک یا تجمیع اقلام در صورت های مالی یکی از مباحث چالش برانگیز مدیران تلقی شود. از این رو، هدف از این پژوهش بررسی رفتار مدیران در بکارگیری تئوری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان می باشد. در همین راستا، این تحقیق به روش پیمایشی و در محیط آزمایشگاهی از طریق پرسش نامه بین ۶۷ نفر از مدیران مالی شرکت کننده در دوره های IFRS در سال ۱۳۹۵ انجام پذیرفته است. در این پژوهش مجموعه ای از آزمایش های مرتبط با تفکیک یا تجمیع اطلاعات سود و زیان فروش دارایی ثابت به منظور بررسی این نکته که آیا ترجیح مدیران مالی از پیش بینی های نظریه حسابداری ذهنی پیروی می کند یا خیر، مورد آزمون قرار گرفت. برای آزمون فرضیه های تحقیق از تحلیل اندازه گیری مکرر دوطرفه و تی زوجی استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ترجیح مدیران برای تفکیک نشان دهنده حسابداری ذهنی می باشد. تحقیق ما اشاراتی برای استاندارد گذاران، قانون گذاران، و محققان دارد

واژگان کلیدی: تئوری حسابداری ذهنی، صورت سود و زیان، رفتار مدیران

* دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
ar.kian@yahoo.com

** استاد گروه حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

*** استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۷

مقدمه

افرادی که به گزارشگری مالی و افشاگری اختیاری می پردازند، به صورت مداوم تصمیماتی را در مورد چگونگی توصیف معاملات و رویدادهای اقتصادی اتخاذ می کنند. اجزای اصلی این تصمیمات شامل نحوه طبقه بندی اطلاعات، تجمیع یا تفکیک اطلاعات، و میزان تناوب ارائه آنها می باشند (کونس^۱ و همکاران^۱، ۲۰۱۰). گزارشگری مالی فعلی به مدیران امکان انعطاف پذیری جهت تفکیک اقلام صورت سود و زیان را می دهد. این انعطاف پذیری در مواقعی مشکل ساز است که مدیران تجمیع و یا تفکیک را ترجیح می دهند، زیرا ارزیابی مدیران از شرکت ها براساس اینکه آیا اطلاعات عملکرد را به صورت تجمیع و یا تفکیک شده نشان دهند به شکلی قابل پیش بینی متفاوت خواهد بود. (بانر و همکاران^۲، ۲۰۱۴).

موضوع اصلی در گزارشگری مالی تعیین چگونگی تفکیک اقلام صورت سود و زیان است (انجمن تحلیلگران خبره مالی^۳، ۲۰۰۷؛ دلویت^۴، ۲۰۱۰؛ هیأت استانداردهای حسابداری مالی^۵، ۲۰۰۹؛ هیأت بین المللی استانداردهای حسابداری^۶، ۲۰۰۹). تفکیک موضوع مهم و فراگیری در گزارشگری مالی است. در این پژوهش تفکیک به عنوان ارائه جداگانه اجزای اصلی یک یا چند قلم در صورت های مالی تعریف شده است. با این وجود، در بیشتر مواقع استانداردهای حسابداری در مورد موضوع تفکیک چیزی نمی گویند. به عنوان مثال، استانداردهای حسابداری گزارش جداگانه سود و زیان در فروش دارایی و یا تسویه زود هنگام بدهی را توصیه نمی کنند. بر این اساس، برخی شرکت ها چنین سود و زیان هایی را به طور جداگانه گزارش می دهند، در حالی که برخی دیگر آنها را با اقلام صورت سود و زیان تجمیع می کنند. در مجموع، تنوع گسترده ای در میزان انتخاب تفکیک و یا تجمیع اطلاعات در گزارش های مالی شرکت ها از سوی شرکت ها وجود دارد (انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۷، ۲۰۱۱؛ گلوم^۸ و همکاران^۸، ۲۰۰۷؛ والاس^۹، ۲۰۰۳).

1 - Koonce

2 - Bonner, et al.

3- Chartered Financial Analyst [CFA] Institute

4- Deloitte

5- Financial Accounting Standards Board

6- International Accounting Standards Board

7- American Institute of Certified Public accountants

8- Glaum

9- Wallac

سرمایه گذاران تمایل دارند تا اطلاعات به صورت تفکیک شده ارائه گردد، زیرا این گونه اطلاعات را شفافتر می‌دانند (بارت و شپیر^۱، ۲۰۰۸؛ شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی^۲، ۲۰۱۳)، و در مقابل استاندارد گذاران و تنظیم کنندگان بازار نگرانی‌هایی را در مورد تفاوت تفکیک اقلام صورت سود و زیان در بین شرکت‌ها اعلام کرده‌اند (دس روچز^۳، ۱۹۹۸؛ تجون-هینگ^۴، ۲۰۰۶). چنین تفاوتی در ارائه به این دلیل است که رهنمودهای اندکی در گزارشگری مالی در مورد تفکیک اقلام صورت سود و زیان وجود دارد، و به مدیران انعطاف پذیری لازم جهت تفکیک و یا تجمیع را می‌دهد. چنین انعطاف پذیری زمانی مشکل ساز خواهد بود که مدیران در برخی مواقع تجمیع و در مواقع دیگر تفکیک را ترجیح دهند. بنابر این تصمیم‌گیری در خصوص تفکیک یا تجمیع به قضاوت شخصی مدیران و میزان مطلوب آنها از نحوه گزارشگری شرکت بستگی دارد و این می‌تواند مقایسه شرکتها را دچار مشکل نماید.

هدف اصلی این تحقیق بررسی رفتار مدیران در بکارگیری تئوری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان می‌باشد. به عبارت دیگر ما در این پژوهش تاثیرات علامت و حجم نسبی اجزای اقلام صورت سود و زیان را بر نحوه ارائه انتخاب شده (تفکیک یا تجمیع) از سوی مدیران را بررسی می‌کنیم. چرا که ما حدس می‌زنیم که ترجیح مدیران برای تفکیک به طور سیستماتیک بر اساس علامت و حجم نسبی اقلام صورت سود و زیان متفاوت است بنابراین این فرضیه را به شکل تجربی مورد آزمون قرار می‌دهیم. بدین معنی که ما فرض می‌کنیم ترجیح آنها با حسابداری ذهنی منطبق خواهد بود (تالر^۵، ۱۹۸۵، ۱۹۹۹). نظریه حسابداری ذهنی که بر روی منحنی ارزش شکل رسم شده است نشانگر آن است که ترجیح تجمیع و یا تفکیک به سود یا زیان بودن اقلام و حجم نسبی متناظر با آنها بستگی دارد. این نظریه ادعا می‌کند که اگر سودمندی تجمیع دو یا چند قلم از اقلام بیشتر از تفکیک آنها باشد، افراد ترجیح می‌دهند آنها را به صورت "یک حساب ذهنی" با هم تجمیع کنند (آنها را در صورت سود و زیان با هم تجمیع نمایند). در غیر این صورت ترجیح می‌دهند اقلام را در "حساب‌های ذهنی" جداگانه نگاه دارند (در صورت سود و زیان آنها را تفکیک کنند). بنابراین مدیران در مجموع طرفدار ارائه تجمیع و یا

1- Barth and Schipper

2- Financial Accounting Standards Advisory Council

3- Desroches

4 Tjon-Hing

5 Thaler

تفکیک شده ای هستند که بر اساس آن سودمندی بیشتری را نصیب آنها نماید. بررسی و تحقیق ما متکی بر نظریه حسابداری ذهنی می باشد، که پیش بینی های خاصی درباره چگونگی تاثیر سیستماتیک علامت و حجم بر ترجیح افراد برای تجمیع و یا تفکیک اطلاعات می کند. در مورد صورت سود و زیان، تحقیق ما به این موضوع می پردازد که آیا افراد در مورد ارائه مجموعه معاملات و یا رویدادهای اقتصادی در صورت سود و زیان به صورت تک خطی و یا چند خطی ترجیح هایی دارند. این نظریه پیشنهاد می کند که افراد رویدادهای مالی را به عنوان سود و یا زیان کدنویسی نموده و سود و زیان کدگذاری شده را به شکل یک و یا چند حساب ذهنی طبقه بندی می کنند، و سپس سودمندی حساب ذهنی منفرد در مقابل حساب های ذهنی چندگانه را با توجه به تابع ارزش نظریه چشم انداز ارزیابی می کنند (تالر، ۱۹۸۵، ۱۹۹۹).

این تحقیق به چند دلیل دارای اهمیت است. نخست آنکه اگر انتخاب (تجمیع یا تفکیک) گزارشگری از سوی مدیران با انتخاب های پیش بینی شده توسط حسابداری ذهنی منطبق باشد، می توان چنین نتیجه گرفت که آنها ارائه هایی را ترجیح می دهند که مطلوب ترین ارزیابی را از شرکت فراهم می آورد. چنین بینشی در مورد پیامدهای ناخواسته انعطاف پذیری استانداردهای جاری در تصمیم گیری های مرتبط با تفکیک یا تجمیع برای استانداردگذاران که به مبارزه با موازنه هزینه /منفعت مربوط به انواع ارائه صورت مالی ادامه می دهند نیز مفید خواهد بود (هیأت استانداردهای حسابداری مالی، هیأت بین المللی استانداردهای حسابداری ۲۰۰۹). دلیل دوم، اگر چه نظریه حسابداری ذهنی علاوه بر گزارشگری مالی در حوزه های دیگر نیز قابل اجرا می باشد، اما مشخص نیست که آیا بتوان آن را در حوزه ای از گزارشگری مالی که در آن فشارهای نهادی دیگر همچون فشار برای گزارشگری شفاف وجود دارد مشاهده کرد (بارت و شپیپر، ۲۰۰۸). بنابراین با بررسی تاثیر بالقوه نظریه حسابداری ذهنی در حضور و یا عدم حضور این ویژگی نهادی مهم، آزمون معناداری آن را فراهم آوردیم که بدین وسیله به دانش حسابداری و نظریه حسابداری ذهنی کمک می کنیم. بدین معنی که بررسی می کنیم تا چه اندازه علامت و حجم اقلام صورت سود و زیان بر ترجیح مدیران برای تفکیک یا تجمیع را اثر می گذارد.

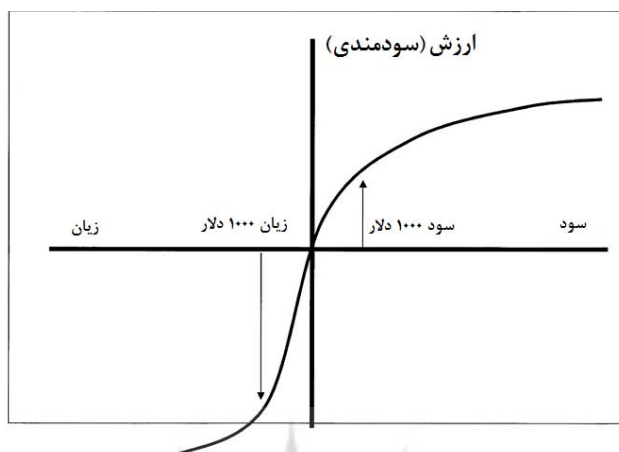
مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

خلاف قاعده‌های مالی که فرضیه بازار کارا را به چالش کشیده، شواهد تجربی است که نشان از انحراف بازار از قواعد عقلایی دارد. این شواهد در تناقض با مفروضات بازار کارا و مدل قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای است. بر اساس فرضیه بازار کارا، سرمایه-گذاران به تمام اطلاعات موجود در بازار دسترسی داشته و آن را به طور کامل و به درستی تفسیر می نمایند، اما شواهد تجربی نشان داده است که بسیاری از سرمایه گذاران اطلاعات را به طور کامل پردازش نمی نمایند، لذا نظریه های رفتاری بسیاری در نشان دادن ناکارایی بازار و فرآیند پردازش سوگیرانه اطلاعات معرفی گردیده است. در دهه های اخیر به چالش کشیده شدن تئوریها و نظریات اقتصادی مبتنی بر اصل مفهوم انسان اقتصادی موجب شده است توجه به جنبه های رفتاری و روانشناختی در میان محققین مالی افزایش یافته و رویکردهای جدیدی در قالب پارادایم مالی رفتاری شکل گیرد. پارادایمی که در آن فرض انسان به عنوان موجودی منطقی که همواره در بهینه سازی منافعش کامیاب است مورد تردید قرار می گیرد. در حقیقت مالی رفتاری در تلاش است چستی، چرایی و چگونگی تأمین مالی و سرمایه گذاری را از زاویه دید یک انسان نرمال تشریح نماید. به عنوان نمونه، مالی رفتاری با مطالعه بازارهای مالی به دنبال ارائه دلایل و توضیحاتی برای خلاف قاعدهها، حبابهای سفته بازانه و سقوط های شدید در این بازارها میباشد. حسابداری ذهنی به عنوان یکی از مباحث مالی رفتاری در دهه گذشته مورد توجه پژوهشگران حسابداری قرار گرفته است.

در حالی که نظریه چشم انداز ارزیابی نتایج مجزا را مورد رسیدگی قرار می دهد(مانند عکس العمل فرد به یک سود ۵۰۰ دلاری)، حسابداری ذهنی به نتایج چندگانه می پردازد. حسابداری ذهنی به موضوعاتی همچون ترجیح افراد برای ترکیب سودی ۵۰۰ دلاری و زیانی ۴۰۰ دلاری به صورت یک حساب ذهنی و یا در نظرگرفتن آنها به صورت دو حساب جداگانه می پردازد. در اینجا بحث انتخاب اهمیت دارد، زیرا سودمندی فرد بر اساس ارزیابی رویدادها به شکل جداگانه یا ترکیبی تغییر خواهد کرد. در مورد صورت سود و زیان، فرد سودمندی قلم تک خطی (سود و یا زیان تجمیع شده) را با سودمندی مرکب اقلام چند خطی(سود و یا زیان تفکیک شده)، مقایسه می کند.

همان گونه که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است، تابع ارزش چندین ویژگی مهم دارد. به جای مجموع ثروت بر اساس سود و زیان تعریف می شود. علاوه بر این، به شکل

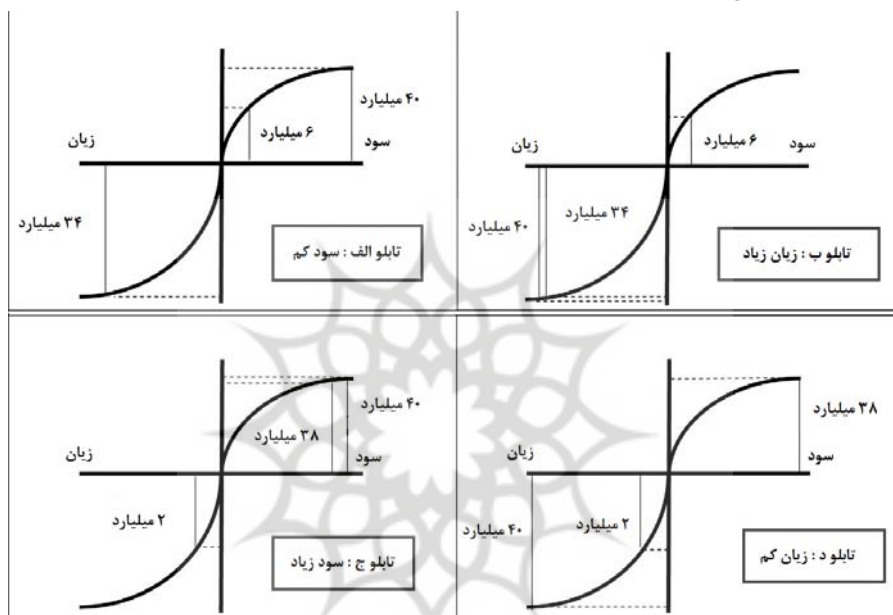
S می باشد، برای سود مقعر، و برای زیان محدب است و برای زیان شیب بیشتری دارد، که این امر نشان دهنده مخالفت با زیان است.



نمودار ۱. تابع ارزش نظریه چشم انداز

بر اساس منحنی ارزش نظریه چشم انداز، حسابداری ذهنی پیش بینی می کند که افراد ترجیح می دهند زیان کلی متشکل از چند زیان کوچکتر را تجمیع کنند. تحدب تابع ارزش در حوزه زیان سبب می شود بی فایده‌گی ناشی از زیان مرکب کمتر از مجموع بی فایده‌گی ناشی از زیان های مجزای متعدد باشد. برعکس، افراد به دلیل تقعر تابع ارزش در برابر سود ترجیح می دهند سود کلی متشکل از چندین سود را تفکیک کنند. سودمندی کلی ناشی از سودهای جداگانه متعدد بیشتر از سودمندی ناشی از ترکیب سودهای مجزا به شکل یک سود بزرگتر خواهد بود. با بازگشت به موضوع سود و زیان مخلوط (شکل شماره ۲)، حسابداری ذهنی پیش بینی می کند افراد ترجیح می دهند سودها و زیان هایی را که برای تشکیل سودی کلی با هم ترکیب شده اند، تجمیع کنند. از آنجایی که شیب تابع در حوزه زیان تندتر است، بی فایده‌گی ناشی از نمایش جداگانه زیان بیشتر از سودمندی افزوده ای است که از نمایش سود بیشتر ناشی می شود. در مقابل، هنگامی که سود و زیان برای تشکیل زبانی کلی ترکیب می شوند، پیش بینی های حسابداری ذهنی به اندازه سود و زیان اصلی بستگی دارد. زمانی که زیان کلی از یک زیان بزرگ و یک سود نسبتاً کوچک تشکیل شده است، که معمولاً زبانی با پوشش نقره ای نامیده می شود، افراد

تفکیک را ترجیح خواهند داد. با این وجود، همان گونه که تالر^۱ (۱۹۸۵، ۱۹۹۹) توضیح داده است، با افزایش اندازه سود نسبت به اندازه زیان، ترجیح ما برای گزارشگری تجمیع و یا تفکیک شده به شکل ویژه تابع ارزش شخص حساس هستند (ابدالی و همکاران^۲ ۲۰۰۷) و این امر پیش بینی های متوسط در این زمینه را مشکل می سازد. بر این اساس، محققان به طور کلی پیش بینی های جهت داری برای مواقع زیان خالص کوچک نمی کنند (لینویل و فیشر^۳، ۱۹۹۱).



نمودار ۲. تابع ارزش نظریه چشم انداز سود و زیان بر اساس تفکیک و تجمیع

بازنگری پژوهش های انجام شده بیانگر آن است که مطالعات اندکی در مورد حسابداری ذهنی در رشته حسابداری وجود دارند که اکثر آنها در حوزه حسابداری مدیریت هستند. ارتباط بین حسابداری ذهنی و حسابداری مدیریت طبیعی است، زیرا تصمیمات مربوط به بودجه بندی و تخصیص منابع در شرایط خانگی و تجاری نسبتاً مرسوم و متداول اند. همچنین پژوهش ها و تحقیقات انجام شده در زمینه مالی رفتاری در ایران بیشتر در قالب معرفی، تحلیل مفهومی و مقایسه با دیگر نظریه های مالی بوده اند. در ذیل

1- Thaler
2- Abdellaoui
3- Linville and Fischer

تعدادی از تحقیقات صورت گرفته در حوزه حسابداری ذهنی ارائه می گردد.

وایت و سنسلیو (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان مدل سیستم‌های کنترل موجودی‌ها برای تحصیل ظرفیت‌های استراتژیک به بررسی تئوری‌های کنترل‌های موجودی با رویکرد ذهنی پرداختند. نتایج بیانگر آن است که استفاده از کنترل‌های اشتقاقی^۱، یکپارچه و نسبی از منظر رفتاری در مدل‌های کنترل ظرفیت نه تنها منجر به تعدیل سطوح انباشت کالا در انبار می‌گردد بلکه منجر به کاهش زمان و دوره فروش و بهبود در سطح درآمد خواهد داشت. همچنین ابراز داشتند که تعدیل سویه‌های ذهنی در مدل‌های رفتاری به سادگی قابل استفاده توسط مدیران نیز می‌باشد.

دلیسل^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان "تئوری چشم‌انداز، حسابداری ذهنی و قیمت‌های اختیار معامله"، اظهار نمودند نظریه چشم‌انداز استدلال می‌کند که فرآیند تصمیم‌گیری انسان تمایل به ترکیب نقاط مرجع و وزن کردن نادرست رویدادهایی با احتمال وقوع کم دارد. نتایج بررسی‌های آنان نشان داد که سرمایه‌گذاران بازار حق اختیار معامله، مانع افزایش قیمت‌ها می‌شوند و تابع وزن‌دهی احتمالات را ایجاد می‌کنند که مشابه تابعی است که توسط نظریه چشم‌انداز ارائه شده است. زمانی که شرکت‌ها نوسانات ضمنی نسبتاً بالا و یا پایینی دارند، سوء‌گیری‌ها منجر به قیمت‌های ناکارآمد برای اختیار معامله می‌شود.

سودیپ^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تاثیر اظهارنامه مالیاتی چندگانه بر انطباق رفتاری از قوانین مالیاتی پرداختند. آنها با استفاده از نظریه چشم‌انداز و حسابداری ذهنی، رفتار مالیات دهندگان را مورد بررسی قرار دادند. دامنه بررسی‌های تحقیق شامل عناصر اظهارنامه‌های چندگانه مالیات دهندگان (چندین اظهارنامه مالیاتی در مقابل یک اظهارنامه خالص) بوده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که مالیات دهندگان با پرداخت بدهی معوق (چارچوب زیان) در مقایسه با مالیات دهندگان با بازپرداخت معوق (چارچوب سود) اقدام به گزارشگری جسورانه تری می‌کنند. به عبارت دیگر رفتار جسورانه مالیات دهندگان در مواقعی که بازپرداخت بیانگر اظهارنامه چندگانه در مقابل خالص اظهارنامه یگانه باشد، افزایش می‌یابد. همچنین رفتار جسورانه مالیات دهندگان در وضعیت پرداخت بدهی کاهش می‌یابد که بیانگر اظهارنامه متعدد در مقابل خالص

1- Derivative
2- Delisle
3- Sudip

اظهارنامه یگانه است.

بانر^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان "حسابداری تفکیک مبتنی بر علامت و بزرگی ارقام صورت‌های مالی"، به این نتیجه رسیدند که ترجیحات مدیران برای تفکیک، انعکاس‌دهنده حسابداری ذهنی است. علاوه بر این، آثار حسابداری ذهنی تنها زمانی تعدیل می‌گردد که مدیران احساس فشار زیادی برای شفافیت گزارشگری می‌کنند. علاوه بر این و از همه مهمتر، ارائه‌های مرجح مدیران منتج به بالاترین ارزش‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران می‌شود.

مرلین^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان "تغییر جهت ابتکاری در سطح ملی در رابطه با صرفه‌جویی اشکال مختلف تخفیف مالیاتی" این موضوع را آزمون نمودند که آیا مالیات دهندگان (۱) به تخفیفات مالیاتی توجه کرده‌اند، و (۲) درصد بالایی از تخفیفات را به جای پس انداز نمودن خرج کرده‌اند. نتایج تحقیق شواهد بیشتری در رابطه با این موضوع که اقتصاد رفتاری و حسابداری ذهنی برای پیش‌بینی رفتار تخفیف مالیاتی مربوط تلقی می‌شوند، فراهم نمود. همچنین این تحقیق نشان داد که تخفیفاتی که در قالب مبالغ اندک توزیع شده‌اند در مقایسه با مبالغ عمده محرک موثرتری بوده‌اند، این امر به لحاظ نقد اثربخشی سیاستهای عمومی حائز اهمیت بوده است. بسیاری از مالیات دهندگان نمی‌دانستند که در سال ۲۰۰۹ تخفیف مالیاتی دریافت کرده‌اند، و آنهایی که می‌دانستند درصد بالایی از آن را در مقایسه با تخفیف سال ۲۰۰۸ خرج کرده بودند.

دیانا^۳ و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تاثیر زمان بندی و جهت‌گیری تغییرات در مالیات سود سرمایه‌ای بر روی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ریسکی را بررسی نمودند. این پژوهش به بررسی تاثیر زمان بندی (تدریجی در مقابل ناگهانی) و جهت‌گیری (افزایش یا کاهش مالیات) تغییر مالیات بر روی رفتار مالیات دهندگان می‌پردازد. بطور خاص، تمرکز پژوهش بر روی تغییرات مالیات سود سرمایه‌ای و ترجیحات سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ریسکی است. در این تحقیق به بررسی تجربیات ۱۱۷ مشارکت‌کننده در تخصیص مبالغ سرمایه‌گذاری دلاری بین دو صندوق با درجه ریسک متفاوت پرداخته است. با توجه به حسابداری ذهنی و ویرایش لذت‌گرایانه (تالر ۱۹۸۵- تالر و جانسون ۱۹۹۰)، نتایج تحقیق بیانگر آن است که کاهش مالیات (یک "منفعت") که به تدریج طی

1- Bonner
2- Marilyn
3- Diana

سالیان مختلف به اجرا گذاشته می شود منجر به افزایش بیشتری در سرمایه گذاری ریسکی می شود در حالیکه چنانچه کاهش مالیات بطور کامل و به صورت یکدفعه انجام شود سرمایه گذاری ریسکی کاهش می یابد. در مقابل، در زمان افزایش در مالیات (یک "زیان") بطور کامل و یکدفعه انجام می شود، کاهش اندکی در سرمایه گذاری ریسکی در مقایسه با زمانی که به صورت تدریجی باشد اتفاق می افتد. یافته های این تحقیق چنین انتظاراتی را تایید می کنند و بیانگر این است که شیوه اجرای تغییر قوانین مالیاتی بر روی تصمیمات مالیات دهندگان تاثیر دارد.

اسکات^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی تاثیر روش انتخابی استهلاک بر روی قیمت فروش دارایی ها مستهلک شده را بررسی کردند. نتایج آنها نشان می دهد مدیرانی که از روش استهلاک شتابدار در مقایسه با روش خط مستقیم برای دارایی های سرمایه ای استفاده کرده اند دارایی های شرکت را به قیمت کمتری به فروش رسانده بودند. این اثر حتی در زمانی که اطلاعات ارزش منصفانه در رابطه با دارایی فروخته شده وجود داشت نیز تحمیل شده بود. همچنین شواهد سازگار با تئوری حسابداری ذهنی نشان دادند که تفاوت های ایجاد شده ناشی از روش های استهلاک در ارزش دفتری بر روی تصمیمات قیمت فروش مدیران تاثیر دارد زیرا مدیران از فرایند حسابداری ذهنی استفاده می کنند. نتایج تحقیق دارای پیامدهای کارا و اقتصادی برای موقعیت هایی است که دارایی های استهلاک پذیر بطور معمول بفروش میرسند.

کونس^۲ و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی حسابداری ذهنی در حوزه گزارشگری مالی و افشای اختیاری پرداختند. این دو پژوهشگر عنوان نمودند که افراد درگیر در گزارشگری مالی و افشای اختیاری به صورت مکرر باید در مورد نحوه تشریح معاملات و رویدادهای اقتصادی تصمیم گیری کنند. اجزای کلیدی این تصمیم گیری مشتمل بر طبقه بندی اطلاعات، میزان ارائه جزئیات و تکرار ارائه این اقلام در طی زمان است. برای مثال شرکتهایی که از استانداردهای حسابداری بین المللی تبعیت می کنند باید در مورد طبقه بندی بهره به عنوان جریان نقدی عملیاتی و یا جریان نقدی تامین مالی تصمیم گیری کنند. تحلیلگرانی که به ارزیابی ابزارهای مالی مرکب شرکت می پردازند باید تصمیم بگیرند که آیا آنها را به عنوان یک حساب واحد مدنظر قرار دهند و یا انشعابات این اجزاء را بررسی کنند. هدف این تحقیق در دو گروه عنوان شده است: اولاً: تشریح یک تئوری

1- Scott

2- Koonce

قدرتمند از حوزه روانشناسی به نام حسابداری ذهنی به منظور تبیین نحوه تصمیم‌گیری و ارزیابی این تصمیمات توسط افراد درگیر در بخش گزارشگری مالی و افشای اختیاری. ثانیاً: ارائه رهنمود برای تعیین نحوه تاثیرگذاری تئوری حسابداری ذهنی بر موضوعات گزارشگری مالی.

اسکات^۱ و همکاران (۲۰۰۸) با استفاده از تئوری حسابداری ذهنی تاثیر انتخاب روش استهلاک بر تصمیمات سرمایه‌گذاری بلندمدت مدیران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که مدیران شرکت‌هایی که از روش استهلاک خط مستقیم استفاده می‌کنند در مقایسه با مدیران شرکت‌هایی که از روش استهلاک شتابدار استفاده می‌کنند، احتمال کمتری دارد که در دارایی جایگزین سرمایه‌گذاری کنند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که به باور مدیران، دارایی مستهلک شده به روش خط مستقیم در مقابل روش شتابدار دارای سودمندی گذشته‌نگر کمتری می‌باشد. همچنین در این تحقیق مشخص گردید که تفاوت‌های ایجاد شده ناشی از روش‌های استهلاک بر روی درک مدیران در خصوص سودمندی گذشته‌نگر بر روی درک آنها از سودمندی آینده‌نگر تاثیر می‌گذارد، که به نوبه خود بر تصمیمات جایگزینی دارایی نیز تاثیر می‌گذارد.

هنس^۲ و همکاران (۲۰۰۶) با استفاده از تئوری حسابداری ذهنی، صرف حقوق صاحبان سهام را تشریح نمودند. آنها استدلال کردند که معمای صرف حقوق صاحبان سهام از کاربرد حسابداری ذهنی در آزمونهای ریسک‌گریزی و عدم کاربرد آن در مصرف استاندارد مبتنی بر مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ناشی شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از حسابداری ذهنی در هر دو محدوده، با درجه ریسک‌گریزی به دست آمده مطابقت دارد و معمای صرف حقوق صاحبان سهام توجیه می‌شود.

لیپ^۳ (۱۹۹۳) با تکیه بر چارچوب حسابداری ذهنی به بررسی اثر تصمیمات مدیران بر انحراف هزینه شرکت پرداخت. او دریافت که مخارج تحقیق و توسعه، زمانی که با منابع درک شده تطبیق داده شوند به عنوان هزینه، و زمانی که هیچ منفعت درک شده‌ای وجود نداشته باشد به عنوان زیان مطرح می‌شوند. حسابداری ذهنی زمانی که در مقابل زیان به هزینه‌ها واکنش نشان می‌دهد رفتار افتراقی را پیش‌بینی می‌کند و این پیش‌بینی در مطالعه تصمیمات بررسی نوسانات هزینه صدق می‌کند.

1- Scott
2- Hens
3- Lipe

پریلیک و همکاران^۱ (۱۹۹۸) حسابداری ذهنی را در حوزه پس انداز و بدهی مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، محققان پیش بینی های متعددی داشته اند که برخلاف پیش بینی مدل های استاندارد است که عنوان می کنند افراد خریدهای خود را به گونه ای تامین مالی می نمایند تا ارزش فعلی پرداخت ها را حداقل نمایند. بر مبنای مدل هایی که در این پژوهش به کار رفته است افراد به شدت بدهی گریز هستند. بدهی گریزی به معنای پرداخت پیش از مصرف است و بیانگر منفعت لذت بردن است. این مفهوم به این معناست که افراد می توانند از مصرف، بدون تفکر در مورد پرداخت های آتی برای آن لذت ببرند. بنابراین با پرداخت پیش از مصرف، درد ناشی از پرداخت کاهش می یابد. نتایج این تحقیقی عنوان نمود که پرداخت های ایده آل برای افراد فقیر و ثروتمند، پرداخت هایی هستند که منطقی بوده و نیز درد ناشی از پرداخت را کاهش می دهند.

نیک بخت و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای با عنوان ارزیابی مدیریت موجودی کالا با رویکرد رفتاری پرداختند. هدف اصلی این تحقیق ارائه مدلی جامع جهت تصمیم گیری اقتصادی افراد در یک محیط آزمایشگاهی با رویکرد رفتاری می باشد. این تحقیق به بررسی شواهد تجربی موجود پرداخته و در یک محیط آزمایشی و کنترل شده میزان گرایش های ذهنی افراد نسبت به ریسک را با توجه به زمانبندی های پرداخت اندازه گیری نموده و میزان سودآوری مدل های تعیین سطح سفارش موجودی های کالا را از منظر پذیرش یا گریز از ریسک، با رویکرد های رفتاری بررسی کرده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که طرح های پرداخت و ترجیحات ریسکی مدیران، در فرآیند تصمیم گیری سطح بهینه سفارشات اثر گذار است.

ثقفی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای با عنوان ریسک بتا؛ شواهدی از تئوری چشم انداز، رفتار سرمایه گذاران را در منطقه سود و زیان و رفتار معاملاتی آنها در زمانهای صعودی و نزولی بازار را با استفاده از تئوری چشم انداز مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق را می توان با پیش مالی کلاسیک و مالی رفتاری تفسیر کرد. در حوزه مالی کلاسیک، رابطه مستقیم بین ریسک و بازده در چارک های بالاتر سازگار با رشد بلندمدت اقتصاد است، علاوه بر این، رابطه معکوس در چارک های پایین تر، به معنای ایجاد عدم اطمینان بیشتر و در نتیجه کاهش بازدهی است. در حوزه مالی رفتاری، رفتار وابسته به الگوی ضرایب شیب، با پیش بینی تئوری چشم انداز از رفتار سرمایه گذاران

پیرامون نقطه مرجع (چارک میانه) سازگار است.

بنابراین قدیم و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای با عنوان کاربرد تئوری حسابداری ذهنی به مرور مفاهیم حسابداری ذهنی پرداختند. در این مطالعه بعد از ارائه چارچوبی از تئوری حسابداری ذهنی، کاربردهای عینی از حسابداری ذهنی در حیطة گزارشگری مالی، مورد موشکافی قرار میگیرد.

سلیمانی امیری و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای با عنوان ابعاد حسابداری ذهنی، ریشه‌ها و کاربردها، کوشش شده است تا به ابعاد مختلف حسابداری ذهنی و ریشه‌های آن، کاربردها و تحقیقات مختلف در این حوزه پرداخته شود.

سلیمانی امیری و همکاران (۱۳۹۰) مفاهیم حسابداری ذهنی و رابطه آن با مدیریت پرتفوی را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه نظری خلاصه ای از حسابداری ذهنی و تاریخچه، فرایند حسابداری ذهنی و رابطه آن با مدیریت پرتفوی مطرح شده است و در نهایت نتیجه گیری شده است که سرمایه گذاران باید برای کل پرتفوی یک حساب ذهنی در نظر بگیرند و اهداف خود را بلندمدت تر نمایند.

احمد تلنگی (۱۳۸۳)، به مرور مفاهیم و مطالعات انجام شده در دو پارادایم اصلی رفتار عقلایی و فرضیه بازار کارا پرداخته و استثنای بازار را در مقابل مالی رفتاری با هدف ادغام روانشناسی با اقتصاد به چالش کشیده است.

راعی و همکاران (۱۳۸۳)، به بحث در مورد دو پایه اصلی مالی رفتاری به عنوان پارادایمی جدید، یکی محدودیت در آریترائز و دیگری روانشناسی شناختی و برخی کاربردهای آنها پرداخته‌اند.

فرضیه پژوهش:

با توجه به چارچوب نظری فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین گردید.

۱. تئوری حسابداری ذهنی در رفتار مدیران برای تهیه صورت سود و زیان

مصادق دارد.

روش شناسی پژوهش:

هدف اصلی این پژوهش بررسی رفتار مدیران در بکارگیری تئوری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان می باشد. به عبارت دیگر در این پژوهش ما قصد داریم

تا ترجیحات مدیران را در شرایطی که می‌توانند برای گزارشگری از تجمیع یا تفکیک استفاده نمایند را مورد سنجش قرار دهیم. بدین منظور از روش تحقیق آزمایشگاهی استفاده شده است. چارچوب نظری و پیشینه تحقیق نیز از روش کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌ها به منظور آزمون رد یا پذیرش فرضیه‌ها از طریق پرسش‌نامه انجام شده است. از طرف دیگر این پژوهش دارای ماهیت میدانی می‌باشد، بدین معنا که بخش عمده‌ای از اطلاعات از طریق و تکمیل پرسش‌نامه توسط کارشناسان، رئیس‌های حسابداری و مدیران مالی گردآوری شده است. در این پژوهش، ابتدا روش‌های آمار توصیفی نظیر میانگین و انحراف معیار به توصیف داده‌ها پرداخته شد، سپس در بخش استنباطی از تحلیل اندازه‌گیری مکرر دوطرفه و تی زوجی استفاده شد.

جامعه آماری و نمونه تحقیق:

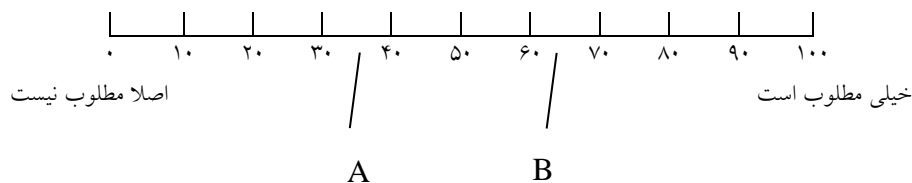
جامعه آماری پژوهش حاضر شامل مدیران و کارشناسان مالی شاغل در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و فرابورس ایران می‌باشند که در دوره‌های IFRS شرکت کرده‌اند. این دوره توسط انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران در زمستان ۱۳۹۵ در تهران برگزار گردید و افراد شرکت‌کننده در این دوره ۸۸ نفر می‌باشند. برای انتخاب جامعه افرادی انتخاب شدند که فارغ‌التحصیل رشته حسابداری باشند و همچنین سابقه تهیه صورتهای مالی را داشتند. انتخاب آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شده است. همچنین روش توزیع پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی بین آزمودنی‌ها بوده است. در این تحقیق تعداد ۱۶۰ پرسشنامه در ۴ حالت مختلف در دو گروه توزیع شد که از این تعداد ۶۶ پرسشنامه از گروه اول و ۶۸ پرسش‌نامه از گروه دوم دریافت گردید. نحوه توزیع پرسشنامه به این شکل بوده است که به هر نفر دو پرسش‌نامه زوجی (سود کم یا زیان زیاد - سود زیاد، زیان کم) به صورت تصادفی داده شد و نحوه پاسخگویی پرسشنامه دوم هر فرد پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه اول بوده است.

داده‌ها و مقیاس اندازه‌گیری

در این پژوهش مجموعه‌ای از آزمایش‌های مرتبط با تفکیک یا تجمیع اطلاعات سود و زیان فروش دارایی ثابت به منظور بررسی این نکته که آیا ترجیح مدیران مالی از پیش‌بینی‌های نظریه حسابداری ذهنی پیروی می‌کند یا خیر، مورد آزمون قرار گرفت.

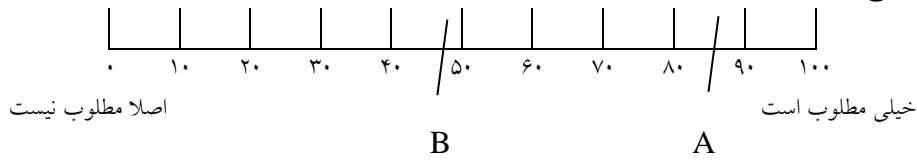
برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه استاندارد بانر و همکاران (۲۰۱۴) استفاده شد. این پرسش نامه حسابداری ذهنی و تفکیک بر مبنای علامت و حجم نسبی اقلام صورت سود و زیان را اندازه گیری می نماید. در ابتدای پرسشنامه از شرکت کننده ها در آزمون درخواست شد تا به عنوان مدیر مالی شرکتی که در حال تهیه صورت های مالی می باشد به سوالات پاسخ دهند. افراد با این انتخاب روبرو بودند که اطلاعات مربوط به سود و زیان فروش دارایی ثابت خود را چگونه گزارش نمایند. از آنجا که در دوره مالی مورد گزارش، دارایی های فروخته شده شامل دو جزء بوده است انتخاب آنها به این امر بستگی داشت که آیا سود یا زیان مربوط به هر جزء را به صورت یک مبلغ "خالص" گزارش نمایند و یا آنها را به طور جداگانه و تفکیک شده ارائه نمایند. همچنین در ابتدای پرسش نامه تاکید گردید که هر دو شیوه ارائه مطابق با استانداردهای حسابداری ایران و قوانین و مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار بوده و قابل قبول هستند بنابراین افراد پاسخ دهنده باید ترجیحات خود را در خصوص مطلوب بودن یا سودمند بودن هر نوع از ارائه ها به طور همزمان و بر روی یک محور نقطه ای از ۰ تا ۱۰۰ رتبه بندی نمایند.

در راستای اهداف این تحقیق، قضاوت های افراد بر مبنای اطلاعات ارائه شده مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه، پاسخ های درست یا غلط وجود نداشت، از این رو دانستن قضاوت های افراد برای محقق دارای اهمیت بوده است. در سوالات، از افراد خواسته شد که به طور جداگانه دو گزینه (گزینه A و گزینه B) را بر روی یک محور پاسخ برای سوال ارزیابی کنند. برای نشان دادن این موضوع، ما در ابتدا یک نمونه سوال (کاملاً نامربوط با تحقیق اصلی) و نمونه ای از مجموعه پاسخ ها را قبل از پرسش نامه اصلی ارائه نمودیم تا افراد با نحوه پاسخگویی پرسش نامه آشنا شوند. نمونه سوال: گزینه های A و B را از نظر مطلوبیت مکان پیشنهاد شده برای دفتر مرکزی شرکت ارزیابی کنید. اگر فکر می کنید گزینه B مکان مطلوب تری برای دفتر مرکزی شرکت پیشنهاد می دهد، پاسخ شما چیزی شبیه شکل زیر خواهد بود:



اگر فکر می کنید گزینه A مکان مطلوب تری برای دفتر مرکزی شرکت پیشنهاد می دهد،

پاسخ شما چیزی شبیه شکل زیر خواهد بود:



در نهایت، اگر فکر می کنید گزینه های A و B پیشنهاد یکسانی ارائه می دهند، پاسخ شما چیزی شبیه شکل زیر خواهد بود:



به منظور بررسی تاثیر حسابداری ذهنی بر قضاوت و تصمیم گیری مدیران مالی در تهیه صورت سود و زیان در وضعیتهای متفاوت، روش تحقیق آزمایشگاهی با طرح درون آزمودنی و بین آزمودنی ۲×۲ استفاده شده است. در این پژوهش دو عامل یا متغیر مستقل تأثیرگذار بر قضاوت و تصمیم گیری در تهیه صورت سود و زیان عبارتند از:

- **تجمع:** در این حالت سود و زیان حاصل از فروش داراییها با هم جمع شده و به صورت یک رقم در صورت سود و زیان گزارش می شود.
- **تفکیک:** در این حالت سود و زیان حاصل از فروش داراییها با هم جمع نمی شوند و هر یک به صورت مجزا در صورت سود و زیان گزارش می شوند.

همچنین متغیرهای وابسته پژوهش، مطلوبیت و سودمندی می باشند که هر یک به صورت مجزا و بر اساس پرسشنامه سنجیده می شوند. در این سنجش قضاوت همزمان آزمودنی نسبت به نحوه ارائه تفکیک و جمع می باشد که با دادن امتیاز همزمان به هر یک از نحوه ارائهها (تفکیک یا جمع) بر روی یک محور رتبه بندی شده از ۰ تا ۱۰۰، میزان مطلوبیت و سودمندی خود را اعلام می نماید. به منظور سنجش متغیرها، چهار نوع پرسشنامه تهیه شده که بخش اول هر پرسشنامه نسبت به بقیه پرسشنامهها از نظر علامت (سود یا زیان) و اندازه (بزرگ یا کوچک) متفاوت بوده اما سوالات مطرح شده در هر پرسشنامه کاملا یکسان است. به عبارت دیگر در این پژوهش به دنبال آن هستیم که دریابیم با تغییر علامت و اندازه سود و زیان، چه تاثیری بر نحوه پاسخگویی افراد در

وضعیت ارائه تفکیک یا تجمیع ایجاد می شود. بنابراین ۴ نوع پرسشنامه که بخش اول آن شامل توضیحات دو رویداد مالی که خالص آن منجر به یک زیان خالص بزرگ، زیان خالص کوچک، سود خالص کوچک و سودخالص بزرگ است، تهیه گردید. گروه اول شامل پرسشنامه زیان خالص بزرگ و سودخالص کوچک و گروه دوم شامل زیان خالص کوچک و سودخالص بزرگ بوده است. نحوه توزیع پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی بوده و پرسشنامه دوم پس از جمع آوری پرسشنامه اول، توزیع گردید.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ - نتایج قضاوت ترجیحی مدیران برای متغیر مطلوبیت

بخش الف) آمار توصیفی - معنی قضاوت (میانگین*، انحراف از معیار*)					
آزمایش گروه اول			آزمایش گروه دوم		
وضعیت		تجمیع	تفکیک	نوع ارائه	
سود خالص کوچک	وضعیت	۶۸/۷۸*	۵۵/۶۰	سود	۶۹/۷۰
	تجمیع	(۱۵/۱۵)**	(۷/۷۸)	خالص	(۱۵/۶۱)
زیان خالص بزرگ	وضعیت	۵۱/۰۶	۶۲/۴۲	بزرگ	۴۴/۵۵
	تجمیع	(۱۶/۶۶)	(۱۱/۹۳)	خالص	(۱۳/۰۴)
	وضعیت	۳۳N=	۳۳N=	کوچک	۳۴N=
	تجمیع	۳۴N=	۳۴N=	تفکیک	۵۶/۴۷

بخش ب) نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر دوطرفه و اثرات ساده برای مطلوبیت

آزمایش گروه اول		آزمایش گروه دوم		منابع
آماره	P-value	آماره	p-value	
۶/۰۷F=	۰/۰۱۹	۶۸/۴۱۶F=	۰/۰۰۰۹	نوع ارائه
۰/۱۵۱F=	۰/۷۰۰	۳/۳۹۸F=	۰/۰۷۴	وضعیت
۱۸/۵۳F=	۰/۰۰۰۰۹	۱۲/۰۲F=	۰/۰۰۱	اثر متقابل نوع ارائه و وضعیت
۴/۲۰T=	۰/۰۰۰۰۹	۴/۳۵T=	۰/۰۰۰۰۹	اثر ساده سود خالص
-۲/۷۲T=	۰/۰۱۰	-۱/۳۵T=	۰/۱۸۵	اثر ساده زیان خالص

بخش الف جدول شماره ۱ شاخص‌های توصیفی متغیر مطلوبیت را در وضعیت‌های و نوع ارائه مختلف نمایش می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در گروه آزمایش اول

میانگین مطلوبیت در وضعیت سود خالص کم با ارائه تجمیع برابر با $68/78$ با انحراف از معیار $15/15$ و با نوع ارائه تفکیک برابر با $55/60$ با انحراف از معیار $7/78$ بوده، میانگین مطلوبیت در وضعیت زیان خالص بزرگ با ارائه تجمیع برابر با $51/06$ با انحراف از معیار $16/66$ و با نوع ارائه تفکیک برابر با $62/42$ با انحراف از معیار $11/93$ بوده است.

در گروه آزمایش دوم میانگین مطلوبیت در وضعیت سود بزرگ با نوع ارائه تجمیع برابر با $69/70$ با انحراف از معیار $15/61$ و با نوع ارائه تفکیک برابر با $56/47$ با انحراف از معیار $7/23$ بوده، میانگین مطلوبیت در وضعیت زیان کوچک با ارائه تجمیع برابر با $44/55$ با انحراف از معیار $13/04$ و با نوع ارائه تفکیک برابر با $49/70$ با انحراف از معیار $14/50$ بوده است.

همان طور که از بخش ب جدول شماره ۱ ملاحظه می‌گردد، در گروه آزمایش اول مقدار آماره‌ی F برای متغیر نوع ارائه برابر با $6/07$ بوده که با توجه به مقدار p -value کمتر از $0/05$ معنی‌دار است، یعنی بین مطلوبیت با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد. مقدار آماره‌ی F برای متغیر وضعیت برابر با $0/151$ بوده که با توجه به مقدار p -value بیشتر از $0/05$ معنی‌دار نیست، یعنی بین مطلوبیت با وضعیت سود خالص کوچک و زیان خالص بزرگ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. مقدار آماره‌ی F برای اثر متقابل نوع ارائه و وضعیت برابر با $18/53$ بوده که با توجه به مقدار p -value کمتر از $0/05$ معنی‌دار است، یعنی اثر متقابل بین مطلوبیت با وضعیت سود خالص کوچک و زیان خالص بزرگ و نوع ارائه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اثر ساده متغیر سود خالص با توجه به مقدار آماره‌ی t که برابر با $4/20$ بوده و مقدار p -value کمتر از $0/05$ معنی‌دار است، یعنی بین مطلوبیت در وضعیت سود خالص با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اثر ساده متغیر زیان خالص با توجه به مقدار آماره‌ی t که برابر با $2/72$ بوده و مقدار p -value کمتر از $0/05$ معنی‌دار است، یعنی بین مطلوبیت در وضعیت زیان خالص با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

در گروه آزمایش دوم مقدار آماره‌ی F برای متغیر نوع ارائه برابر با $68/41$ بوده که با توجه به مقدار p -value کمتر از $0/05$ معنی‌دار است، یعنی بین مطلوبیت با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد. مقدار آماره‌ی F برای متغیر وضعیت برابر با $3/39$ بوده که با توجه به مقدار p -value بیشتر از $0/05$ معنی‌دار نیست، یعنی بین مطلوبیت با وضعیت سود خالص بزرگ و زیان خالص کوچک تفاوت معنی‌داری وجود

ندارد. مقدار آماره‌ی F برای اثر متقابل نوع ارائه و وضعیت برابر با ۱۲/۰۲ بوده که با توجه به مقدار p-value کمتر از ۰/۰۵ معنی دار است، یعنی اثر متقابل بین مطلوبیت با سود خالص بزرگ و زیان خالص کوچک و نوع ارائه تفاوت معنی داری وجود دارد. اثر ساده متغیر سود خالص با توجه به مقدار آماره‌ی t که برابر با ۴/۳۵ بوده و مقدار p-value که کمتر از ۰/۰۵ معنی دار است، یعنی بین مطلوبیت در وضعیت سود خالص با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی داری وجود دارد. اثر ساده متغیر زیان خالص با توجه به مقدار آماره‌ی t که برابر با ۱/۳۵- بوده و مقدار p-value که بیشتر از ۰/۰۵ معنی دار است، یعنی بین مطلوبیت در وضعیت زیان خالص با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول ۲ - نتایج قضاوت ترجیحی مدیران برای متغیر سودمندی

بخش الف) آمار توصیفی - معنی قضاوت (میانگین*، انحراف از معیار**)

آزمایش گروه دوم		آزمایش گروه اول		وضعیت
نوع ارائه		نوع ارائه		
تفکیک	تجمیع	تفکیک	تجمیع	
۵۱/۶۱	۶۱/۴۷	۵۱/۳۶	۶۴/۵۴*	سود خالص کوچک
(۱۶/۲۷)	(۱۱/۳۸)	(۷/۲۱)	(۴/۷۳)**	
N= ۳۴	N= ۳۴	N= ۳۳	N= ۳۳	
۵۲/۲۰	۵۱/۳۲	۵۹/۵۴	۴۸/۰۳	زیان خالص بزرگ
(۱۱/۸۱)	(۹/۹۴)	(۱۲/۰۱)	(۸/۶۵)	
N= ۳۴	N= ۳۴	N= ۳۳	N= ۳۳	

بخش ب) نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر دوطرفه و اثرات ساده برای سودمندی

آزمایش گروه دوم		آزمایش گروه اول		منابع
P-value	آماره	P-value	آماره	
۰/۰۵۱	F= ۴/۱۱	۰/۰۰۷	F= ۸/۲۵	نوع ارائه
۰/۰۵۶	F= ۳/۹۲	۰/۶۱۲	F= ۰/۲۶۲	وضعیت
۰/۰۰۶	F= ۸/۵۰	۰/۰۰۰	F= ۸۱/۰۴	اثر متقابل نوع ارائه و وضعیت
۰/۰۰۶	T= ۲/۹۴	۰/۰۰۰	T= ۸/۵۸	اثر ساده سود خالص
۰/۷۱۷	T= -۰/۳۶	۰/۰۰۰	T= -۴/۴۴	اثر ساده زیان خالص

بخش الف جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیر سودمندی را در وضعیت‌های و نوع ارائه

مختلف نمایش می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌گردد، در گروه آزمایش اول میانگین سودمندی در وضعیت سود کم با ارائه تجمیع برابر با ۶۴/۵۴ با انحراف از معیار ۴/۷۳ و با نوع ارائه تفکیک برابر با ۵۱/۳۶ با انحراف از معیار ۷/۲۱ بوده، میانگین سودمندی در وضعیت زیان بزرگ با ارائه تجمیع برابر با ۴۸/۰۳ با انحراف از معیار ۸/۶۵ و با نوع ارائه تفکیک برابر با ۵۹/۵۴ با انحراف از معیار ۱۲/۰۱ بوده است.

در گروه آزمایش دوم میانگین سودمندی در وضعیت سود بزرگ با نوع ارائه تجمیع برابر با ۶۱/۴۷ با انحراف از معیار ۱۱/۳۸ و با نوع ارائه تفکیک برابر با ۵۱/۶۱ با انحراف از معیار ۱۶/۲۷ بوده، میانگین سودمندی در وضعیت زیان کوچک با ارائه تجمیع برابر با ۵۱/۳۲ با انحراف از معیار ۹/۹۴ و با نوع ارائه تفکیک برابر با ۵۲/۲۰ با انحراف از معیار ۱۱/۸۱ بوده است.

همان طور که در بخش ب جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، در گروه آزمایش اول مقدار آماره‌ی F برای متغیر نوع ارائه برابر با ۸/۲۵ بوده که با توجه به مقدار p -value کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است، یعنی بین سودمندی با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد. مقدار آماره‌ی F برای متغیر وضعیت برابر با ۰/۲۶۲ بوده که با توجه به مقدار p -value بیشتر از ۰/۰۵ معنی‌دار نیست، یعنی بین سودمندی با وضعیت سود خالص کوچک و زیان خالص بزرگ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. مقدار آماره‌ی F برای اثر متقابل نوع ارائه و وضعیت برابر با ۸۱/۰۴ بوده که با توجه به مقدار p -value کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است، یعنی اثر متقابل بین سودمندی با وضعیت سود خالص کوچک و زیان خالص بزرگ و نوع ارائه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اثر ساده متغیر سود خالص با توجه به مقدار آماره‌ی t که برابر با ۸/۵۸ بوده و مقدار p -value که کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است، یعنی بین سودمندی در وضعیت سود خالص با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اثر ساده متغیر زیان خالص با توجه به مقدار آماره‌ی t که برابر با ۴/۴۴- بوده و مقدار p -value که کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است، یعنی بین سودمندی در وضعیت زیان خالص با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

در گروه آزمایش دوم مقدار آماره‌ی F برای متغیر نوع ارائه برابر با ۴/۱۱ بوده که با توجه به مقدار p -value بیشتر از ۰/۰۵ معنی‌دار نیست، یعنی بین سودمندی با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. مقدار آماره‌ی F برای متغیر وضعیت برابر با ۳/۹۲ بوده که با توجه به مقدار p -value بیشتر از ۰/۰۵ معنی‌دار نیست، یعنی بین

سودمندی با وضعیت سود خالص بزرگ و زیان خالص کوچک تفاوت معنی داری وجود ندارد. مقدار آماره‌ی F برای اثر متقابل نوع ارائه و وضعیت برابر با $۸/۵۰$ بوده که با توجه به مقدار p -value کمتر از $۰/۰۵$ معنی دار است، یعنی اثر متقابل بین مطلوبیت با سود خالص بزرگ و زیان خالص کوچک و نوع ارائه تفاوت معنی داری وجود دارد. اثر ساده متغیر سود خالص با توجه به مقدار آماره‌ی t که برابر با $۲/۹۴$ بوده و مقدار p -value که کمتر از $۰/۰۵$ معنی دار است، یعنی بین سودمندی در وضعیت سود خالص با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی داری وجود دارد. اثر ساده متغیر زیان خالص با توجه به مقدار آماره‌ی t که برابر با $-۰/۳۶$ بوده و مقدار p -value که بیشتر از $۰/۰۵$ معنی دار نیست، یعنی بین سودمندی در وضعیت زیان خالص با نوع ارائه تجمیع و تفکیک تفاوت معنی داری وجود ندارد.

نتیجه گیری

همان گونه که تالر (۱۹۸۵) بیش از ۳۰ سال قبل ذکر کرده است، حسابداری ذهنی مهم است. اهمیت آن در بسیاری از تصمیم گیری های مالی از طریق نحوه کد گذاری، طبقه بندی، و ارزیابی نتایج مالی نشان داده شده است. هدف مقاله حاضر توصیف نظریه حسابداری ذهنی و استدلال این نکته بود که حسابداری ذهنی می تواند نحوه رفتار مدیران در گزارشگری مالی و افشاگری اختیاری بر اساس اصول این نظریه را توضیح دهد. اگرچه نظریه حسابداری ذهنی به منظور توضیح تصمیم گیری های مشتری و خانوار ایجاد شده بود، اما ایده های آن برای تهیه کنندگان و کاربران خارجی گزارش های مالی و افشاگری های اختیاری نیز قابل اجرا هستند. سه ویژگی اصلی نظریه حسابداری (یعنی کد گذاری، طبقه بندی، و ارزیابی) با ویژگی های اصلی گزارشگری مالی و افشاگری اختیاری مطابقت دارند. به عنوان مثال، افرادی که صورت های مالی را فراهم می کنند، به آسانی اطلاعات را کد گذاری و طبقه بندی می کنند. اگرچه استاندارد های حسابداری و شیوه های مناسبی از تحلیل اعتبار، ارزیابی حقوق صاحبان سهام، و پیش بینی وجود دارند، اما تحقیقات پیشین حاکی از آن بودند که تمایل به پرداختن به حسابداری ذهنی نسبتاً زیاد است. بنابراین، این امکان وجود دارد که تهیه کنندگان و کاربران گزارش های مالی از حسابداری ذهنی استفاده کنند. گزارشگری مالی فعلی به مدیران امکان انعطاف پذیری جهت تفکیک اقلام صورت سود و زیان را می دهد. این انعطاف پذیری در مواقعی مشکل

ساز است که مدیران تجمیع و یا تفکیک را ترجیح می دهند، زیرا ارزیابی مدیران از شرکت ها براساس اینکه آیا اطلاعات عملکرد را به صورت تجمیع و یا تفکیک شده نشان دهند به شکلی قابل پیش بینی متفاوت خواهد بود. در حال حاضر، راهنمای گزارشگری اندکی در مورد جداسازی درآمد وجود دارد، که به مدیران انعطاف پذیری نسبت به تجمیع و یا تفکیک اقلام صورت سود و زیان می دهد. با توجه به این انعطاف پذیری ما به بررسی این موضوع پرداختیم که آیا ترجیحات مدیران در رابطه با جداسازی اقلام صورت سود و زیان بر اساس علامت و بزرگی اجزای اساسی این اقلام بر طبق پیش بینی تئوری حسابداری ذهنی می باشد؟ معرفی تئوری حسابداری ذهنی به این خط از تحقیقات ساختاری را برای پیش بینی انتخاب جداسازی برای طیف گسترده اقلام صورت سود و زیان فراهم می سازد. همچنین می تواند به توضیح نتایجی بپردازد که قبلا غیر قابل توضیح بوده اند، مانند ریدل و سرینواسان (۲۰۱۰) که نشان دادند شرکت ها زمانی به تفکیک آیتیم های خاص می پردازند که نتایج اثر تجمیع را در زیان خالص به جای سود خالص تحت تاثیر قرار می دهند.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که ترجیح جداسازی مدیران سازگار با پیش بینی های تئوری حسابداری ذهنی است. یعنی، ترجیحات مدیران برای تجمیع در مقابل تفکیک تحت تاثیر علامت و بزرگی نسبی سود و زیان، و به نوبه خود، ترجیح تجمیع در برخی موارد، و جداسازی در سایر موارد است. قضاوت اولویت شرکت کنندگان در شرایط سود خالص کوچک به طور قابل توجهی برای نحوه ارائه به شکل تجمیع شده است. بنابراین با توجه به این نکته که افراد در منطقه زیان حساسیت و وزن دهی بیشتری نسبت به منطقه سود دارند می توان چنین استنباط کرد که مدیران به دلیل بی فایده‌گی نمایش جداگانه زیان بزرگ، تجمیع زیان بزرگ با سود بزرگتر را ترجیح می دهند. عطف به شرایط زیان خالص بزرگ آزمایش گروه یک، ما مشاهده می کنیم که قضاوت اولویت شرکت کنندگان به طور قابل توجهی به ارائه تفکیک شده می باشد. بنابراین در مواقعی که سودمندی تفکیک سود بیشتر از کاهش سودمندی از ترکیب سود با زیان بزرگ باشد، مدیران تفکیک را ترجیح می دهند. در وضعیت سود خالص بزرگ، میانگین قضاوت اولویت شرکت کنندگان به طور قابل توجهی برای ارائه تجمیع شده می باشد. دلیل اصلی چنین رویکردی اندازه زیان در مقایسه با اندازه سود می باشد. در این حالت میزان مطلوبیت تجمیع برای مدیران بیشتر از تفکیک آن می باشد و ارائه جداگانه زیان کوچک برای

مدیران بی فایده است. بنابراین مدیران تجمیع زیان کوچک با سود بزرگ را به جای تفکیک آنها ترجیح می دهند. در شرایط زیان کوچک خالص، تفاوت در ترجیح بین تفکیک و تجمیع از نظر آماری معنی دار نمی باشد همان طور که بحث شد، وقتی اندازه سود نسبت به اندازه زیان افزایش می یابد، ترجیح برای گزارش های تجمیع یا تفکیک به شکل خاص تابع ارزش فردی حساس می شود. نتایج پژوهش حاضر از نظر اهمیت کاربرد تئوری حسابداری ذهنی هم راستا با پژوهش کونس و همکاران (۲۰۱۰) می باشد و نشان از بکارگیری حسابداری ذهنی در حوزه گزارشگری مالی می باشد. همچنین نتایج پژوهش با نتایج بانر^۱ و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد. هرچند تحقیق بانر و همکاران بر روی گزارشگری ابزارهای نوین مالی متمرکز شده است اما هر دو تحقیق، نتایج مشابهی در مورد بکارگیری تئوری حسابداری ذهنی توسط مدیران مالی در خصوص افشای اقلام صورتهای مالی دارد.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

جهت انجام پژوهش های آتی پیشنهاد می شود از معیارهایی نظیر شفافیت، کیفیت، ریسک، ارزش به عنوان سایر عوامل مرتبط با آزمودنی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می شود تا پژوهش مشابهی با در نظر گرفتن عامل فشار نهادهای نظارتی (افشای اطلاعات بر روی کدال ...) نیز مورد مطالعه قرار گیرد. از آنجایی که تمرکز این تحقیق بر روی تهیه کنندگان صورت های مالی بوده است لذا پیشنهاد می شود تحقیق مشابهی از دیدگاه سرمایه گذاران نیز صورت گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- بدری. احمد، گودرزی. ندا (۱۳۹۳)، مالی رفتاری، سوگیری نماگری و متغیرهای بینادی حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۳، ص ۵۷-۸۸.
- بنابی قدیم. رحیم، کرباسی یزدی. حسین (۱۳۹۳)، کاربرد تئوری حسابداری ذهنی، پژوهش حسابداری، شماره ۱۳، ص ۱۱۷-۱۳۳.
- تلنگی. احمد (۱۳۸۳)، تقابل نظریه های نوین مالی و رفتاری، تحقیقات مالی، شماره ۱۷، ص ۲۶-۳.
- ثقفی. علی، فرهادی. روح اله، تقوی فرد، محمد علی (۱۳۹۳)، مالی رفتاری، ریسک بتا: شواهدی از تئوری چشم انداز، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۵، ص ۳۸-۹.
- راعی. رضا، فلاح پور. سعید (۱۳۸۳)، مالیه رفتاری، رویکردی متفاوت در حوزه مالی. تحقیقات مالی، شماره ۱۸، ص ۱۰۶-۷۷.
- سلیمانی امیری. غلامرضا، گودرزی. نرگس، زراعتی. لیلیا (۱۳۹۰). حسابداری ذهنی و رابطه آن با مدیریت پرتفوی. پژوهش حسابداری، شماره ۱، ص ۱۳۶-۱۲۳.
- سلیمانی امیری. غلامرضا، یوسفی اصل. فرزانه (۱۳۹۳). حسابداری ذهنی، ریشه ها و کاربردها. پژوهش حسابداری، شماره ۱۴، ص ۱۵۵-۱۳۹.
- عرب مازار یزدی. محمد، بدری. احمد، عزیزیان. افشین (۱۳۹۲)، آزمون تجربی رفتار جمعی سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۳۹، ص ۱-۲۷.
- نیک بخت. محمد رضا، رحمانی. علی، صدر آرا. مهرداد (۱۳۹۵)، ارزیابی مدیریت موجودی کالا با رویکرد رفتاری، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره ۲، ص ۹۷-۱۲۶.
- Abdellaoui, M., Bleichrodt, H. and Paraschiv, C. (2007). Loss aversion under prospect theory: A parameterfree measurement. *Management Science*, 53 (10): 1659-1674.
- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (2011). *Accounting Trends and Techniques*. New York, NY: AICPA.
- Barth, M., and K. Schipper. (2008). Financial reporting transparency. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 23 (2), 173-190.
- Bonner, S.E., Clor-Proell, S.M. and Koonce, L. (2014). Mental

Accounting and Disaggregation Based on the Sign and Relative Magnitude of Income Statement Items. *The Accounting Review*, 89(6), 2087–2114.

Chartered Financial Analysts (CFA) Institute. (2007). *A Comprehensive Business Reporting Model: Financial Reporting for Investors*. Charlottesville, VA: CFA Institute.

DeLisle, Jared and Diavatopoulos, Dean and Fodor, Andy and Krieger, Kevin, Prospect Theory, Mental Accounting, and Option Prices (February 7, 2015). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2561887>

Deloitte. (2010). SEC Comment Letters—Including Industry Insights: A Snapshot of Current Themes. Available at: <http://www.deloitte.com/us/specialreports>.

Desroches, P. (1998). Current SEC developments. Remarks made by Pascal Desroches, Professional Accounting Fellow, Current Accounting Projects, Office of Chief Accountant, United States Securities and Exchange Commission. Available at: <http://www.sec.gov>.

Diana Falsetta, Timothy J. Rupert, and Arnold M. Wright (2013) The Effect of the Timing and Direction of Capital Gain Tax Changes on Investment in Risky Assets. *The Accounting Review*: March 2013, Vol. 88, No. 2, pp. 499-520.

Financial Accounting Standards Board (FASB) and International Accounting Standards Board (IASB). (2009). *Analyst Field Test Results*. Norwalk, CT: FASB/IASB.

Financial Accounting Standards Board (FASB) and International Accounting Standards Board (IASB). (2010). *Introduction to and Summary of the July 2010 Staff Draft*. London, U.K.: IFRS Foundation.

Financial Accounting Standards Board (FASB). (2009). Minutes of the October 27, 2009 Joint Board Meeting: Financial Statement Presentation. Available at: http://www.fasb.org/cs/ContentServer?c¼¼Document_C&pagename¼¼FASB%2FDocument_C%2FDocumentPage&cid¼¼1176156562920.

Financial Accounting Standards Board (FASB). (2012). Revenue Recognition—Principal Agent Considerations—Other Presentation Matters. Accounting Standards Codification Topic 605-45-45. (September 19). Available at: <http://asc.fasb.org/>.

Glaum, M., Street, D. L. and Vogel, S. (2005). *Making Acquisitions Transparent: An Evaluation of M & A related IFRS Disclosures by European Companies in 2005*. Frankfurt, Germany: Pricewaterhouse-Coopers.

Hens, T & Wohrmann, P, 2006. *Mental Accounting and the Equity*

- Premium Puzzle. Working paper.
- Koonce. B & L. Fennema, 2010, Mental Accounting in Financial Reporting and Voluntary Disclosure. Working paper.
- Linville, P. W., and Fischer, G. W. (1991). Preferences for separating or combining events. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60 (1), 5-23
- Lipe, M. 1993. Analyzing the variance investigation decision: The effects of outcomes, mental accounting, and framing. *The Accounting Review* 68: 748-764
- Marilyn K. Spencer and Valrie Chambers (2012) National Heuristic Shift toward Saving Any Form of Tax Rebate. *Accounting and the Public Interest: December 2012, Vol. 12, No. 1, pp. 106-136.*
- Prelec. D & Loewenstien. G, 1998. The red & the black: Mental Accounting of Savings and Debt. *Marketing Science*, Vol 17, No. 1, 1998, pp. 4-28
- Scott B. Jackson (2008) The Effect of Firms' Depreciation Method Choice on Managers' Capital Investment Decisions. *The Accounting Review: March 2008, Vol. 83, No. 2, pp. 351-376.*
- Scott B. Jackson, Theodore C. Rodgers, Brad Tuttle (2010) The effect of depreciation method choice on asset selling prices. *Accounting, Organizations and Society: November 2010, Vol. 35, No. 8, pp. 757-774.*
- Sudip Bhattacharjee, Kimberly K. Moreno, and Debra A. Salvador (2015) The Impact of Multiple Tax Returns on Tax Compliance Behavior. *Behavioral Research in Accounting: Spring, Vol. 27, No. 1, pp. 99-119.*
- Thaler, R. (1985). Mental accounting and consumer choice. *Marketing Science*, 4(3), 199-214.
- Thaler, R. (1999). Mental accounting matters. *Journal of Behavioral Decision Making*, 12(3), 183-206.
- Tjon-Hing, C. (2006). Speech by SEC staff: Remarks before the 2006 AICPA National Conference on current SEC and PCAOB developments. Available at: <http://www.sec.gov/news/speech/2006/spch121206slh.htm>.
- Wallace, W. (2003). Analyzing non-GAAP line items in income statements. *The CPA Journal*, 73 (6), 38-47.
- White, A & Censlive, M, (2016). Inventory Control Systems Model for Strategic Capacity Acquisition, *Journal of Industrial Engineering Volume 2016 (2016), Article ID 1650863, 16 pages* , available at: <http://dx.doi.org/10.1155/2016/1650863>